

### یادداشت

### تله چینی یا تله توسیدید

جایی که حقوق، عدالت و اخلاق ملغی می‌شوند. به هر ترتیب، پس از فرصتی برای بازاندیشی، نمایندگان ملوس بر تصمیم خود استوار مانده و چنین پاسخ می‌دهند: «انتیان، انتیان، همان است که پیش‌تر بود و ما آماده نیستیم در چنین مدت کوتاهی آزادی‌ای را که شهر ما از هنگام تأسیس در ۷۰۰ سال پیش داشته است از دست بدهیم».
اسطوره‌های تاریخی و روایت‌ها در هنگامه جنگ از اهمیت فراوانی برخوردارند. روایت‌هایی که انسان درباره گذشته و اقتدار خود می‌سازد، واقعیت‌های سیاسی موجود را شکل می‌دهد. سرزمین‌هایی که حافظه تاریخی آنها با اسطوره‌های ملی-دینی شکل گرفته است، به‌سختی فرومی‌شکنند و به‌ندرت تن به ذلت می‌دهند. هرچند حق به‌منابه زور باشد. کیگن کیلسن (Keegan) در مقاله «آنتی‌اشمیت» باور دارد: عدالت از جایی منشأ می‌گیرد که ظرفین قدرتی تقریباً برابر دارند. همان‌طور که توسیدید در گفت‌وگوهای هولناک میان نمایندگان آتن و ملوس به‌درستی درک کرده است. بنابراین، جایی که برتری آشکاری وجود ندارد و نزاع فقط به آسیب بی‌فایده و دوطرفه منجر می‌شود، این درک شکل می‌گیرد که بهتر است توافق حاصل شود و نوعی مصالحه صورت گیرد». وضعیت کنونی جهان بی‌شابهت به وضعیت تاریخی نیست که توسیدید آن را به تصویر می‌کشد. با اینکه شکل‌های جنگ و مبارزه تغییر کرده است، اما به‌تعمیر توسیدید، چون طبیعت انسانی و امیال آنان در تاریخ ثابت مانده، فجایع تاریخی اجتناب‌ناپذیر شده است. اگر تا دیروز مردم جهان به این باور رسیده بودند که از بربریت نسل‌های پیشین فاصله گرفته‌اند، اینک با سیاست‌های زورگویانه رئیس‌جمهور آمریکا که مبتنی بر نقش زور در روابط بین‌الملل است، به درک صریح و آشکارتری از وضعیت جهان رسیده‌اند. البته تبعات ناخواسته سیاست‌ورزی دونالد ترامپ موجب شده شکل‌های دروغین دموکراسی غربی در روابط بین‌الملل آشکار شده و از اعتبار ساقط شوند. از سوی دیگر، تصمیمات رئیس‌جمهور آمریکا در منطقه و جهان موجب شده کشورها اروپایی و نیز چین که همواره بر سیاستی محافظه‌کارانه استوار بوده است، احساس خطر کنند و یا به میدان بگذارند. نمونه بارز آن بیابنه مشترک چین و روسیه در حمایت از نظم جهانی است که در آن یکجانبه‌نگری را محکوم کرده و خواستار احترام به رهبران و کشورهای مستقل شده‌اند. این موضوع‌گیری تاریخی است، چراکه از سوی کشورهایی اتخاذ شده که همواره از سوی غرب در مظان اتهام اقتدارگرایی و مخالفت با دموکراسی بوده‌اند. این بیابنه از این رو حائز اهمیت است که در مدت کوتاهی پس از دیدار دونالد ترامپ و شی جن‌پینگ صادر شد؛ پس از آنکه رئیس‌جمهور چین مجبور شد برخی از ادعاهای رئیس‌جمهور آمریکا را پس از این دیدار تکذیب کند که این هم در نوع خود در طول تاریخ بی‌نظیر است. حتی اگر برخی این بیابنه را تشریفاتی قلمداد کنند، نمی‌توان انکار کرد این بیابنه از سوی کشورهایی صادر شده است که در سازمان ملل حق وتو دارند و نشان داده‌اند در برابر خواسته‌های ناموجه آمریکا از آن استفاده خواهند کرد. این بیابنه توازن جدیدی از قدرت‌های جهانی را نشان می‌دهد؛ آمریکا که آمریکا تاکنون هیچ‌رغم میل خود به آن گردن نهد. اگر تعبیر «تله توسیدید» در دیدار دونالد ترامپ و شی جن‌پینگ را لغزش زبانی از ضمیر ناخودآگاه رئیس‌جمهور چین بدانیم، معنای آن این است که دونالد ترامپ در تله چینی گرفتار شده و از سویی دیگر اشاره به «تله توسیدید» یانگر آن است که شی جن‌پینگ می‌داند سالیانی است که آمریکا در وضعیت صلح به اضطراب جنگ با چین می‌انديشد و «تله توسیدید» اصطلاحی از گراهام تی ایلسون، دانشمند سابق رئیس‌جمهور آمریکایی است که مدتها در دانشکده دفاع ملی آن کشور مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. تله توسیدید، وضعیت اجتناب‌ناپذیر جنگ با قدرت نوظهوری است که قدرت بزرگ هژمون را تهدید می‌کند. البته درباره تعبیر تله توسیدید، در خود آمریکا نیز مخالفان و موافقان بسیاری وجود دارند. مخالفان این نظریه باور دارند بین چین و آمریکا جنگی صورت نخواهد گرفت، چراکه شکل روابط آتن و اسپارت هیچ شباهتی به روابط امروز آمریکا و چین ندارد و این کشورها اینک بزرگ‌ترین روابط تجاری را با یکدیگر دارند. کیلسن در مقاله «آنتی‌اشمیت» می‌گوید: «هرجا نیرویی بر نیروی دیگر برتری شدید داشته باشد و اختلاف قدرت بین قوی و ضعیف بسیار باشد، قوور اجنگی در خواهد گرفت». کیلسن باور دارد جنگ در این وضعیت به‌سرعت شعله‌ور شده و بدون پیچیدگی به نتیجه خواهد رسید، اما هرچه تفاوت بین نیروهای رقیب کمتر باشد، در این شرایط ناگزیر برای ریزش جنگ به توافق خواهند رسید. ملاقات اخیر دونالد ترامپ و شی جن‌پینگ است تأکید رئیس‌جمهور چین بر تله توسیدید؛ بیش از هر چیز نمایانگر این نکته است که رئیس‌جمهور چین می‌داند آمریکا قادر به جنگ با چین نیست و تمایل دارد به توافقی برد-برد دست یابد، البته با حفظ هژمونی جهانی. اما دیدار شی جن‌پینگ با پوتین نشان داد آمریکا باید بیش از هر چیز نگران تله چینی یعنی رقابت در سطح جهان با کشورهای مخالف آمریکا با همدستی چین باشد. بی‌شک راهبردهای آمریکا و اسرائیل در تغییر شکل خاورمیانه بیش از هر

چیزی که در آن کشور مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. تله توسیدید، وضعیت اجتناب‌ناپذیر جنگ با قدرت نوظهوری است که قدرت بزرگ هژمون را تهدید می‌کند.

مخالفان و موافقان بسیاری وجود دارند. مخالفان این نظریه باور دارند بین چین و آمریکا جنگی صورت نخواهد گرفت، چراکه شکل روابط آتن و اسپارت هیچ شباهتی به روابط امروز آمریکا و چین ندارد و این کشورها اینک بزرگ‌ترین روابط تجاری را با یکدیگر دارند. کیلسن در مقاله «آنتی‌اشمیت» می‌گوید: «هرجا نیرویی بر نیروی دیگر برتری شدید داشته باشد و اختلاف قدرت بین قوی و ضعیف بسیار باشد، قوور اجنگی در خواهد گرفت». کیلسن باور دارد جنگ در این وضعیت به‌سرعت شعله‌ور شده و بدون پیچیدگی به نتیجه خواهد رسید، اما هرچه تفاوت بین نیروهای رقیب کمتر باشد، در این شرایط ناگزیر برای ریزش جنگ به توافق خواهند رسید. ملاقات اخیر دونالد ترامپ و شی جن‌پینگ است تأکید رئیس‌جمهور چین بر تله توسیدید؛ بیش از هر چیز نمایانگر این نکته است که رئیس‌جمهور چین می‌داند آمریکا قادر به جنگ با چین نیست و تمایل دارد به توافقی برد-برد دست یابد، البته با حفظ هژمونی جهانی. اما دیدار شی جن‌پینگ با پوتین نشان داد آمریکا باید بیش از هر چیز نگران تله چینی یعنی رقابت در سطح جهان با کشورهای مخالف آمریکا با همدستی چین باشد. بی‌شک راهبردهای آمریکا و اسرائیل در تغییر شکل خاورمیانه بیش از هر چیزی که در آن کشور مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است. تله توسیدید، وضعیت اجتناب‌ناپذیر جنگ با قدرت نوظهوری است که قدرت بزرگ هژمون را تهدید می‌کند. البته درباره تعبیر تله توسیدید، در خود آمریکا نیز مخالفان و موافقان بسیاری وجود دارند. مخالفان این نظریه باور دارند بین چین و آمریکا جنگی صورت نخواهد گرفت، چراکه شکل روابط آتن و اسپارت هیچ شباهتی به روابط امروز آمریکا و چین ندارد و این کشورها اینک بزرگ‌ترین روابط تجاری را با یکدیگر دارند. کیلسن در مقاله «آنتی‌اشمیت» می‌گوید: «هرجا نیرویی بر نیروی دیگر برتری شدید داشته باشد و اختلاف قدرت بین قوی و ضعیف بسیار باشد، قوور اجنگی در خواهد گرفت». کیلسن باور دارد جنگ در این وضعیت به‌سرعت شعله‌ور شده و بدون پیچیدگی به نتیجه خواهد رسید، اما هرچه تفاوت بین نیروهای رقیب کمتر باشد، در این شرایط ناگزیر برای ریزش جنگ به توافق خواهند رسید. ملاقات اخیر دونالد ترامپ و شی جن‌پینگ است تأکید رئیس‌جمهور چین بر تله توسیدید؛ بیش از هر چیز نمایانگر این نکته است که رئیس‌جمهور چین می‌داند آمریکا قادر به جنگ با چین نیست و تمایل دارد به توافقی برد-برد دست بالا را نخواهد داشت.

### چرا قدرت ایران باور نمی‌شد؟

شاید برای همین بود که این منتقدان، اولاً به‌جس از ابتدا مخالف دکترین ساتراپی‌های مدرن جمهوری اسلامی بودند، ثانیاً در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از سقوط دولت اسد، بارها از متلاشی شدن این ساتراپی‌ها نوشتند و گفتند و حتی یکی از آنها در مصاحبه‌ای تصویری درمورد بی‌آزربودن این دکترین در حفظ منافع کشورمان، رو به دوربین و درباره جنگ ۱۲روزه گفت: «سال‌ها برای این جبهه مقاومت هزینه کردیم، اما در جنگ ۱۲روزه، تمام این جبهه، حتی یک گلوله نیز برای دفاع از ما شلیک نکرد». با مورد دیگر، توان پهبادی و موشکی ایران است که همیشه و حتی تا قبل از جنگ اخیر، نه‌تنها باور نمی‌شد، بلکه تحقیر هم می‌شد، اما آیا واقعا ادعای توان پهبادی ما چون پریدن در یزد بود؟

اما چرا؟ دشمنان ما ندیدند، شاید چون برپایی یک جنگ هژمونیک با ایران به مرحله‌ای ضروری رسیده بود، چنان‌که رویبو (وزیر خارجه آمریکا) همین هفته پیش گفت اگر به ایران حمله نمی‌کردیم، توان تسلیحات متعارف ایران (موشک و پهباد) به جایی می‌رسید که دیگر نمی‌شد با ایران جنگید. اما چرا منتقدانی که معترض هستند ایران توانایی بازدارندگی خود را نشان نداده بود تا جلوی جنگ را بگیرد، چنین می‌گویند؟ گمان من این است که شاید مهم‌ترین دلیلش آن باشد که از پنجره آرزوهایمان به واقعیت توان دفاعی کشورمان نگاه می‌کردیم.

چرا، اما این است که غرب، بنا به گفته رویبو، می‌دانست توان دفاعی ایران تا چه حد است، اما به این نتیجه رسیده بود که باید ریسک کند، درحالی‌که برخی از جمعیت موافقان و به‌ویژه اکثریت منتقدان، به هر دلیلی، با آنچه را در حال وقوع نمی‌بود دیدند، یا مایل نبودند شواهدی که تحلیلشان را نقض می‌کرد ببینند. و اسما مهم‌ترین دلیل برای باورنداشتن به قدرت ایران به موضوع رسانه بازی‌گردد. حذف رسانه‌های تأثیرگذار منتقد در کشور و تک‌ساختی شدن رسانه داخلی که موجب خروج مرجعیت رسانه شده، بزرگ‌ترین ضربه را به باورپذیری توان دفاعی ایران، در داخل وارد کرده است. مشکل این است که وقتی رسانه‌های منتقد داخلی حذف می‌شوند، استنادهای صداوسیما، حتی اگر جمعی از منتقدان نورچشمی را هم جلوی دوربین نشانند، بی‌اثر است. همان‌طور که الان، وقتی با بازیابی قدرت موشکی خود صحبت می‌کنیم، گزارش رسانه‌های مخالف و گزارش CIA باورپذیرتر است.

### «شرق» از آثار تورمی جنگ خلیج فارس بر تورم ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان گزارش می‌دهد

# ۳ سناریوی اقتصاد آمریکا و جنگ

**امیرضا انگجی**؛ وقوع درگیری‌های نظامی در خاورمیانه در اوایل سال ۲۰۲۶ میلادی، شوک عظیمی به ساختار بازارهای جهانی انرژی وارد کرد و به‌سرعت به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی در سراسر جهان تبدیل شد. این بحران که بلافاصله مسیرهای تجاری حیاتی نفت خام به‌ویژه تنگه هرمز را تحت تأثیر قرار داد، زنجیره‌ای از رویدادهای اقتصادی را آغاز کرد که تحلیل دقیق ابعاد آن برای درک آینده نرخ تورم در اقتصادهای بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده، اهمیت حیاتی دارد.

#### جنگ و تورم

براساس گزارش CEPR، بررسی‌های ساختاری نشان می‌دهند تأثیر مستقیم بحران‌های ژئوپلیتیک بر قیمت خرده‌فروشی سوخت، پتانسیل بالایی برای تحریک نرخ تورم مخارج مصرف شخصی (PCE) دارد و می‌تواند از طریق کانال‌های مختلف تولید و توزیع، به بخش‌های هسته‌ای اقتصاد نیز سرایت کند. با توجه به پیچیدگی و پویایی این تحولات، اتکای صرف به برآوردهای سنتی کافی نیست و نیاز به استفاده از مدل‌های پیشرفته ترکیبی تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) برای ارزیابی عرضه جهانی و مدل‌های خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) برای ارزیابی داده‌های ماهانه داخلی احساس می‌شود. این رویکرد روش‌شناختی اجازه می‌دهد سناریوهای مختلفی براساس مدت‌زمان انسداد مسیرهای دریایی و میزان کاهش عرضه جهانی نفت طراحی شود و پیامدهای هر سناریو بر تورم کل، تورم هسته و انتظارات تورمی مصرف‌کنندگان به دقت سنجیده شود.

#### سناریوی محتاطانه

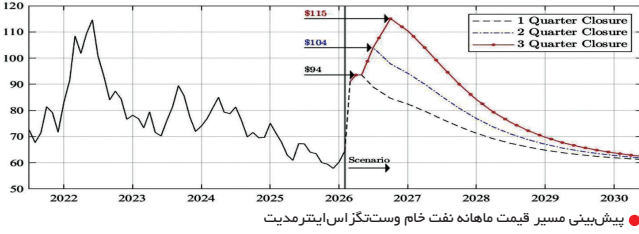
در سناریوی اول که می‌توان آن را رویکردی محتاطانه و تا حدی خوش‌بینانه دانست، فرض بر این است که اختلال در جریان صادرات نفت و انسداد تنگه هرمز فقط به مدت یک فصل (سه ماه) به طول می‌انجامد و پس از آن، صادرات انرژی منطقه به‌تدریج به روال عادی بازمی‌گردد. در این چارچوب، برآوردها نشان می‌دهند میانگین قیمت ماهانه نفت خام وست تگزاس اینترمیدیت (WTI) در اوج بحران یعنی در ماه‌های آوریل و می ۲۰۲۶ به حدود ۹۴ دلار در هر بشکه خواهد رسید و تا پایان سال جاری میلادی بالای سطح ۸۰ دلار باقی خواهد ماند. این جهش ناگهانی قیمت، نرخ تورم کل مخارج مصرف شخصی (Headline PCE) را در سه‌ماهه اول سال ۲۰۲۶ با نرخ‌ی سالانه معادل ۱.۷ واحد درصد افزایش می‌دهد و اثرات آن تا پایان سه‌ماهه سوم همچنان پابرجا می‌ماند. در نهایت، این شوک سه‌ماهه باعث می‌شود نرخ تورم کل در مقایسه سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۲۶ نسبت به سه‌ماهه چهارم سال قبل، حدود ۰.۶ واحد درصد بالاتر از نرخ پیش‌بینی‌شده در غیاب جنگ قرار گیرد. اثر این سناریو بر تورم هسته (شاخصی که قیمت‌های نوسانی مواد غذایی و انرژی را حذف می‌کند) در ابتدا ناچیز خواهد بود، اما در سه‌ماهه دوم با انتقال هزینه‌های حمل‌ونقل و سوخت و سایر کالاها و خدمات، رشدی ۰.۴ واحد درصدی را ثبت می‌کند که در نهایت به افزایش ۰.۲ واحد درصدی تورم هسته سالانه منجر می‌شود.

#### سناریوی نداوم جنگ

اگر مذاکرات دیپلماتیک با بن‌بست مواجه شود یا عملیات نظامی در منطقه به طول بینجامد، سناریوی دوم شکل می‌گیرد که در آن انسداد مسیرهای ترانزیت انرژی برای سه فصل متوالی دوام می‌آورد و بازار جهانی با بحرانی فرساینده روبه‌رو می‌شود. در این حالت، قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمیدیت به شکل پیوسته‌تری افزایش می‌یابد و سقف‌های قیمتی بسیار بالاتری را تجربه خواهد کرد که مستقیم بر قیمت بنزین و سوخت در بازارهای داخلی اثرگذار است. محاسبات دقیق آماری نشان می‌دهند تاووم این وضعیت برای سه فصل، نرخ تورم کل مخارج مصرف شخصی (PCE) را در مینای مقایسه‌ی پایانی سال تا ۱.۱ واحد درصد افزایش خواهد داد که فشار سنگینی بر قدرت خرید خانوارها وارد می‌کند. از سوی دیگر، ماندگاری قیمت‌های بالای انرژی به مدت سه فصل، فرصت بیشتری برای سرایت هزینه‌های لجستیک و مواد اولیه به زنجیره تأمین بخش‌های غیرانرژی فراهم می‌کند و در نتیجه، تورم هسته در این سناریو با رشد چشمگیر ۰.۳ واحد درصدی همراه خواهد بود که نشان‌دهنده ریشه‌دارشدن نسبی فشارهای تورمی در اقتصاد است.

#### سناریوی بحران

در بدترین حالت ممکن که همان سناریوی سوم یا تشدید شدید بحران است، فرض بر این قرار می‌گیرد که صادرات نفت از کل منطقه خلیج فارس به‌طور کامل متوقف شود و جهان با کاهش بی‌سابقه ۲۰ درصدی در عرضه نفت خام مواجه شود. اگر این قطع کامل عرضه با انسداد سه فصلی تنگه هرمز هم‌زمان شود، مدل‌های شبیه‌سازی اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند قیمت نفت وست تگزاس اینترمیدیت به صورت سیس‌دبار و صعودی حرکت کرده و در اوج خود به رقم سرسام‌آور ۱۶۷ دلار در هر بشکه خواهد رسید. چنین جهشی فوق‌العاده‌ای در بهای انرژی، تکانه‌ای شدید به شاخص‌های کلان اقتصادی وارد می‌کند، به‌طوری‌که تورم کل مخارج مصرف شخصی در پایان سال ۲۰۲۶ می‌تواند تا ۱.۸ واحد درصد افزایش یابد. در این وضعیت بحرانی، تورم هسته نیز از ترکش‌های این شوک عظیم در امان نخواهد ماند و تحت تأثیر اثرات ثانویه گسترده و افزایش شدید هزینه‌های تولید کالاها و خدمات اساسی، تا ۰.۴ واحد درصد رشد خواهد کرد که زنگ خطری جدی برای بانک‌های مرکزی محسوب می‌شود. یکی از جنبه‌های کلیدی و بسیار حائز اهمیت در تحلیل این بحران، بررسی رفتار و روان‌شناسی مصرف‌کنندگان و میزان تغییر در انتظارات تورمی



آحاد جامعه است، چراکه انتظارات تورمی می‌تواند به محرکی برای ماریجِج دست‌مزد-قیمت تبدیل شود. شواهد تجربی و مدل‌سازی‌های رفتاری نشان می‌دهند این جهش‌های ناگهانی در قیمت نفت و بنزین، آسیب ساختاری پایدار و عمیقی به ذهنیت تورمی بلندمدت خانوارها وارد نمی‌کند. در بررسی انتظارات تورمی یک‌ساله، اثرات شوک نفتی نسبتاً محدود ارزیابی شده است؛ به طوری که در اختلالات کوتاه‌مدت (یک یا دو فصلی) این تغییر نزدیک به صفر است و فقط در صورت انسداد سه فصلی، انتظارات تورمی یک‌ساله مصرف‌کنندگان حداکثر تا ۰.۶۱ واحد درصد افزایش می‌یابد. نکته نوبدبخش‌تر برای سیاست‌گذاران پولی این است که انتظارات تورمی بلندمدت (پنج تا ۱۰ساله) جامعه عملاً دست‌نخورده باقی می‌ماند و انحراف آن در بدترین سناریو بین صفر تا حداکثر ۰.۷ واحد درصد خواهد بود که این امر تأیید می‌کند مردم این موج گرانی را یک تکانه انرژی گذرا و موقتی می‌دانند، نه یک تغییر ساختاری و دائمی در ظرفیت‌های اقتصادی.

#### سرایت به زنجیره‌های تأمین

علاوه بر شاخص‌های مخارج مصرف شخصی، تغییرات بهای نفت برر زنجیره‌های تأمین صنعتی و هزینه‌های عملیاتی شرکت‌های بزرگ و کوچک نیز به‌شدت سنگینی خواهد کرد و بخش تولید را تحت فشار قرار می‌دهد. صنایعی که وابستگی بالایی به مشتقات نفتی دارند، مانند مجتمع‌های پتروشیمی، کارخانجات تولید پلاستیک، صنایع کودهای شیمیایی و به‌ویژه بخش‌های هوانوردی و ترابری سنگین، بلافاصله با کاهش حاشیه سود مواجه می‌شوند. این فشار هزینه‌ای در سترز زمان به زنجیره‌های خرده‌فروشی منتقل می‌شود و حتی اگر مصرف‌کنندگان در برابر خرید کالاها مقاومت کنند، تولیدکنندگان چاره‌ای جز افزایش قیمت نهایی یا کاهش حجم تولید خود نخواهند داشت. مدل‌های ترکیبی اقتصادی نشان می‌دهند توزیع زمانی این فشارها به‌گونه‌ای است که بیشترین نمود تجاری آن در نیمه دوم سال ۲۰۲۶ میلادی پدیدار می‌شود، یعنی زمانی که انبارهای کالاهای واسطه‌ای با قیمت‌های جدید جایگزین شده‌اند و قراردادهای ترانزیتی نوبنی منعقد می‌شود. بررسی عمیق‌تر سازوکارهای انتقال تورم مشخص می‌کند چرا اثرگذاری این بحران بر تورم هسته با تأخیر زمانی همراه است و مانند تورم کل به‌سرعت جهش نمی‌کند. قیمت بنزین خرده‌فروشی به‌صورت روزانه و براساس قیمت نفت خام جهانی نوسان می‌کند و به همین دلیل، اثر آن بر تورم کل آنی و مستقیم است، اما قیمت یک بلیت هواپیما، هزینه توزیع مواد غذایی به فروشگاه‌ها یا قیمت کالاهای بادوام به‌دلیل وجود قراردادهای بلندمدت و چسبندگی قیمت‌ها، ماه‌ها طول می‌کشد تا تعدیل شوند. این پدیده تأخیر در انتقال، در تمام سناریوهای شبیه‌سازی‌شده مشهود است، جایی که اوج اثرگذاری بر تورم هسته معمولاً یک الی دو فصل پس از اوج‌گیری قیمت نفت خام رخ می‌دهد. به همین دلیل است که حتی در صورت بازگشایی سریع تنگه هرمز پس از یک فصل، اثرات ثانویه آن در فصول بعدی بر بخش‌های غیرانرژی سایه می‌افکند و مدیریت پولی را با چالش‌های مداوم مواجه می‌کند. به طور اساسی، تفاوت‌های چشمگیر میان باوردهای سنتی و نتایج حاصل از مدل‌های ساختاری جدید، بر اهمیت ارزیابی دقیق منشأ تکانه‌های نفتی تأکید دارد، چراکه هر افزایش قیمتی در بازار نفت اثر یکسانی بر اقتصاد کلان بر جای نمی‌گذارد. زمانی که رشد قیمت نفت ناشی از تقاضای شدید جهانی باشد، این امر معمولاً با رونق اقتصادی همراه است و آسیب کمتری وارد می‌کند، اما وقتی صعود قیمت‌ها ریشه در شوک‌های منفی عرضه و تنش‌های ژئوپلیتیک نظیر درگیری‌های نظامی داشته باشد، نتیجه آن یک شوک انقباضی محض همراه با افزایش تورم خواهد بود.

## اقتصاد بقا؛ وقتی متخصصان هم به مشاغل بی‌مهارت پناه می‌برند

#### اقتصاد کوچک‌تر، رقابت مغرب‌تر

آنچه امروز در حال وقوع است، از منظر اقتصادی یک هشدار جدی است. اقتصاد زمانی رشد می‌کند که نیروی کار به سمت فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر حرکت کند. اما اکنون، جهت حرکت معکوس شده است: افزایش سهم مشاغل کم‌مهارت و کاهش نقش فعالیت‌های مولد. مسئله فقط تغییر ترکیب اشتغال نیست؛ تناقض عمیق‌تری در حال شکل‌گیری است: افزایش عرضه خدمات، هم‌زمان با کاهش تقاضا برای آنها. به بیان ساده، کیک اقتصاد کوچک‌تر شده، اما تعداد افرادی که برای سهم‌بردن از آن رقابت می‌کنند، به‌شدت افزایش یافته است. نتیجه این وضعیت، رقابت مخرب، کاهش قیمت‌ها، شافت درآمد واقعی و فرسایش سرمایه انسانی است. در کنار این روند، ناپایداری اینترنت نیز به یک عامل تشدیدکننده تبدیل شده است. اقتصاد پلتفرمی به اتصال پایدار وابسته است، اما اختلال در اینترنت، دسترسی به اپلیکیشن‌ها را محدود کرده. فرایند ثبت سفارش را مختل کرده و حتی امکان جست‌وجوی خدمات را کاهش داده است. در چنین شرایطی، نه‌تنها تقاضا کاهش یافته، بلکه مسیر دسترسی به همان تقاضای محدود نیز مسدود شده است. این گزارش دربارهٔ بیکاری نیست؛ درباره سقوط کیفیت اشتغال است. اقتصادی که در آن متخصصان به مشاغل کم‌مهارت پناه می‌برند، تقاضا کاهش می‌یابد و زیرساخت‌ها ناپایدار است. در مسیر فرسایش قرار دارد. ادامه این روند به معنای تثبیت یک اقتصاد کم‌پارده، کم‌درآمد و نابرابر است؛ اقتصادی که حتی با افزایش تعداد شاغلان، فقیرتر می‌شود.

### خبر

### رشد ۱۷درصدی قیمت‌ملک در اردیبهشت

بررسی داده‌های منتشرشده توسط کیلیسد، پلتفرم آگهی‌های آنلاین مسکن، نشان می‌دهد متوسط قیمت پیشنهادی فروشندگان ملک در ماه گذشته با جهش ۱۷درصدی مواجه شده است. به این ترتیب میانگین قیمت پیشنهادی مسکن در پایتخت به متری ۱۹۶ میلیون تومان رسیده است. به گزارش فردای اقتصاد، هرچند این عدد پیشنهادی فروشندگان است و لزوماً با تورم واقعی معاملات برابر نیست ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد چنین جهشی طی یک ماه در بازار مسکن بی‌سابقه بوده است. ولی اجاره‌بها که آمارهای مرکز آمار هم حاکی از رشد خفیف آن است، هنوز وارد رالی صعودی نشده است و اجاره با رسیدن به منترمربعی ۶۲۴ هزار تومان و رهن با رسیدن به حدود ۲۴ میلیون تومان، نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۳۰ درصد رشد کرده‌اند. جهش ۶۸درصدی قیمت مسکن در برابر رشد حدود ۳۰درصدی اجاره‌بها باعث شده نسبت قیمت به اجاره دوباره وارد محدوده حیاتی شود و از ۲۵ واحد هم بگذرد. حال باید دید این قیمت فروش ملک است که اضافه‌گشش داشته و نیاز به اصلاح دارد یا اجاره‌بهاست که جا مانده و به‌زودی آن را جبران خواهد کرد.

### مقتضیان بیمه‌بیکاری

#### به‌دفاتر پیشخوان بروند

طبق اعلام وزارت کار، از شنبه دوم خردادماه مقتضیان دریافت بیمه بیکاری می‌توانند به دفاتر پیشخوان دولت در سراسر کشور مراجعه و برای ثبت‌نام اقدام کنند. به گزارش ایسنا، احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در یک گفت‌وگوی تلویزیونی با اشاره به فعالیت بیش از پنج هزار دفتر پیشخوان دولت در کشور از مقتضیان بیمه بیکاری دعوت کرد که طی هفته جاری با مراجعه به دفاتر پیشخوان دولت ثبت‌نام کنند. او از تسهیل فرایند ثبت‌نام برای بیمه بیکاری خبر داد و گفت: «روانه کار، یک مرکز تلفنی به این منظور برقرار شده که روزانه ۱۸ ساعت فعالیت می‌کند و افراد می‌توانند به صورت سامانه‌ای ثبت‌نام کنند. آن‌طور که وزیر کار گفته، ۲۲۹ هزار نفر برای بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند و بیش از ۱۵۰ هزار نفر هم در اردیبهشت‌ماه ثبت‌نام کرده بودند که از این تعداد، مستمری حدود ۴۲ هزار نفر برقرار شده است و برای اینکه برقراری مستمری تسهیل شود، از بازنشستگان وزارت کار در دو شهر تهران و اصفهان استفاده شده تا برنده‌ها با سرعت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. میدری پیش‌تر از مقتضیان بیمه بیکاری خواسته بود به‌جای مراجعه حضوری به ادارات کار مستقیماً به سامانه مربوطه رفته و الکترونیکی ثبت‌نام کنند. به گفته او، کسانی که به‌جای دستی و کاغذی، به شکل الکترونیکی و اینترنتی و از طریق سامانه درخواست داده باشند، فرایند پیگیری مقرری بیمه بیکاری آنها با سرعت بهتری انجام می‌شود. تاکنون ۲۲۹ هزار نفر برای بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند، بیش از ۱۵۰ هزار نفر هم در اردیبهشت‌ماه ثبت‌نام کرده‌اند. مقتضیان موظفند در این تعداد مستمری خود ۴۲ هزار نفر برقرار شده است. مقرری بیمه بیکاری مبلغی است که ماهانه به مقرری‌گیر پرداخت می‌شود و میزان و مدت استحقاق بهره‌مندی از آن بر اساس سابقه پرداخت حق بیمه بیکاری و متوسط مزد، حقوق یا کارمزد روزانه کارگر مشمول بیمه بیکاری تعیین می‌شود. با توجه به اعلام وزارت کار، مقتضیان دریافت بیمه بیکاری از شنبه دوم خردادماه باید به دفاتر پیشخوان دولت در محل سکونت خود مراجعه و برای دریافت مقرری بیمه بیکاری مراحل ثبت‌نام خود را دنبال کنند.

## فراخوان مناقصه عمومی همراه ارزیابی کیشی

شرکت بلایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیشی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه متعلقه گزار	شماره فراخوان	موضوع	محل اجرا	مدت	مبلغ بر آورد پایه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	مناقصه عمومی شماره ۰۳/۱۰۶	۲۰۰۴۰۹۲۱۷۰۰۵۹۸	جمع آوری ، پاکسازی و امحای لجن های نفتی موجود در حوضچه ته نشینی روبروی جایگاه بارگیری پخش به روش پیرولیز شرکت بلایش نفت آبادان	آبادان	۴۲۰ روز	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۷,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	الف – مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیشی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۹ لغایت ۱۴۰۵/۰۳/۰۷ ب – مهلت ارسال پاسخ استعلام : مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۳

شماره : ۲۱۸۳۴۱۵

**روابط عمومی—شرکت بلایش نفت آبادان**